

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۲ اکتوبر ۲۰۱۸

تأملی گذرا بر "خصوصی سازی جنگ در افغانستان"

از مدتی بدین سو نچواها و گاهی هم سروصدا هائی وجود دارد، که جنگ افغانستان به شرکت خصوصی بلک واتر سپرده خواهد شد، تا از یک جانب به مثابه یک طرف قرار داد، جنگ را خاتمه ببخشد و از جانب دیگر هزینه چند صد میلیارد دلاری ناتو و در صدر آن امپریالیزم جنایتگستر امریکا را کاهش بدهد.

این سروصدا ها دقیقاً از زمانی آغاز یافت که مدعی سردمداری جهان امپریالیزم یعنی "ترمپ" در مورد صحبت نمود، اهمیت این مسأله و ابعادی را که فرا می گیرد، ایجاب می نماید تا عجالتاً نکات چندی در مورد تذکار بیاید.

*- تجربه و واقعیت های موجود در سیاست های ستراتیژیک امپریالیزم امریکا نشان داده که رؤسای جمهور در آن کشور را به خصوص بعد از افتضاح پایان ناف "بل کلینتن"، هر چند در ظاهر امر همه کاره کاخ سفید معرفی می کردند مگر در واقعیت امر در مقایسه با "دولت در سایه" که گردانندگان اصلی آن قدرت امپریالیستی اند، گدی های کوکی و ابزار بی اراده ای بیش نیستند. این مسأله به خصوص در مورد "ترمپ" بر مبنای اقتضاحات و اتهاماتی که نسبت به وی و چگونگی به قدرت رسیدنش وجود دارد، صدق می نماید.

*- با در نظر داشت اصل قبل، به جرأت می توان نوشت: این که جنگ در افغانستان باز هم به وسیله ارتش امریکا پیش برده شود و یا به یک کمپنی خصوصی از قماش "بلک واتر" و یا جانشینش "اکادمی" و یا کدام نام دیگری پیش برده شود، به هیچ وجه از صلاحیت از فرد لرزانی مانند "ترمپ" نیست، بلکه هر تصمیمی که در مورد گرفته شود، آن تصمیم توسط "دولت در سایه" اتخاذ و برای خوشنودی و وظیفه ابلاغ آن را به "ترمپ" خواهند سپرد.

*- مخالفت های اخیر که در این اواخر از جانب "غنی" و قسماً هم "عبدالله" علیه این پروژه ابراز می گردد و امروز "غنی" بنا بر عادت همیشگی که چنین مطالبی را با یک نوع جدیت و عصبانیت ساختگی ابراز می دارد، علیه آن موضع گرفت و گفت که "به ملیشه های خارجی اجازه فعالیت در افغانستان داده نخواهد شد" بیشتر از آن که در عرصه سیاست منطقه و بر سیاست های امپریالیزم امریکا اثر گذار باشد، مصرف داخلی داشته، عمدتاً برای تحمیق افراد احق تر از خودش به کار برده می شود، وقتی "دولت در سایه" در امریکا تصمیم به اجرای آن بگیرد و سخنگوی موقت آن دولت یعنی "ترمپ" اعلام بدارد، کمترین ارزشی نخواهد داشت.

اهمیت این قضیه در کل و تغییر در موازنه قدرت در داخل افغانستان:

*- با در نظر داشت این که استفاده از افراد اجیر جهت سرکوب مخالفان در افغانستان، سابقه اش به دوران سلطه سوسیال امپریالیزم شوروی و تشکیل باند های ملیشه در همان زمان بر می گردد، این نکته را باید بدانیم که استفاده از چنین روشی، نه تنها در افغانستان بی سابقه نیست، بلکه تعدادی از عوامل اجرائی آن تا اکنون نیز زنده اند که از جمله می توان در مقیاس کلان از "دوستم" و تعدادی از جنرالان وابسته به وی یاددهانی نمود.

*- این را هم می دانیم که از ملیشه های بنام و کار آمد زمان اشغال افغانستان به وسیله سوسیال امپریالیزم شوروی، دو گروه آن مشهور تر و سفاکتر از بقیه بودند، یکی گروه های مسلح مربوط به "دوستم" و دیگری گروه مسلح مربوط به "عصمت مسلم"

"دوستم" هنوز خودش حضور فزینی دارد اما به جای "عصمت مسلم"، برادرزاده اش قومندان "رازق" قندهار تا حدی همان تشکیلات را اداره می نماید.

با در نظر داشت این خصوصیت، می توان حدس زد که هر حرکتی در همان راستا می تواند به همکاری "دوستم" و "رازق" آغاز گردد. به عبارت دیگر کمپنی های انسانکشی امریکائی به هر نامی که داخل افغانستان بگردند می خواهد بلک واتر باشد یا اکادمی و یا نام دیگر، در کنار اعزام هزاران آدمکش امریکائی و سایر کشور ها، کم هزینه ترین راه برای آنها و بردن مفاد بیشتر از این پروژه انسانکشی، استخدام مزدوران و جنایتکاران از داخل افغانستان می باشد. تجربه همکاری با ارتش سوسیال امپریالیزم شوروی نشان داده است، که این اجاره داران با چنان ددمنشی و شقاوتی عمل می نمودند و مناطق غیر قابل شکست چون "پغمان" را فتح می نمودند که ارتش شوروی سوسیال امپریالیستی آن زمان قادر به فتح آن نشده بودند.

*- با در نظر داشت این که تحرکات "دوستم" در داخل کشور حتا در داخل شهر کابل به شدت تحت کنترل ریاست امنیت ضد ملی است و وی در موقف به اصطلاح معاون اول رئیس جمهور اجازه مسافرت به ولایات شمال افغانستان حتا ولایت زادگاهش و رفتن بالای قبر پدرش را ندارد، شاید برای همه بسیار جالب باشد بدانند که یافتن اجازه مسافرت دو روز قبل وی به "دوبی" بر کدام مینا صورت گرفته است.

این مسافرت وقتی می تواند بیشتر جالب بگردد که بدانیم:

- به استناد گفته "عطاء" یکی از شریکان "دوستم"، نامبرده در دوبی با "اریک پرنس" دیداری داشته و در رابطه با خصوصی ساختن جنگ مذاکراتی انجام داده اند.

- همین اکنون یکی از مراکز عمده شرکت بلک واتر در شرق میانه در دوبی فعالیت دارد.

- همزمان با مسافرت "دوستم" به دوبی، گویا شخص "اریک پرنس" نیز در دوبی حضور دارد.

- این که مذاکراتی بین آن دو صورت خواهد گرفت و یا خیر، با در نظر داشت ارسال ویزای دوبی برای "دوستم" و یافتن اجازه پرواز از میدان هوایی کابل، جایی که از همانجا به دستور "غنی" اجازه پرواز به شبرغان برایش داده نشده است، خود گویای آن است که نه مسافرت "دوستم" یک تصمیم شخصی بوده و نه هم یافتن اجازه پرواز در صلاحیت "غنی" و اداره مستعمراتی.

*- از قراین بر می آید که "دوستم" بنا به درخواست "اریک پرنس" به صوابدید و دستور قومندانی نظامی امریکا در کابل به دوبی سفر نموده تا به ارتباط خصوصی سازی جنگ هم به مثابه فردی با تجربه در آن زمینه و هم به مثابه فردی که قادر است سرباز مزدور برای بلک واتر آماده سازد، به دوبی سفر نموده است. این که در آنجا به کدام نتیجه می رسند هنوز معلوم نیست، هرگاه این دیدار به کدام توافقی بین "اریک پرنس" و "دوستم"، دو خدای جنگ و نابودی برسد باید منتظر تأثیرات آن در اداره مستعمراتی ماند.

*- این تأثیرات در خطوط کلی خود در چند بخش خود را متبازل خواهند ساخت:

- در عرصه سیاسی به یکه تازی های "غنی" نقطه پایان گذاشته خواهد شد و "دوستم" دوباره اعاده حیثیت شده از صلاحیت های مقامش برخوردار خواهد شد.

- از لحاظ نظامی حتا قبل از اعلام رسمی خصوصی شدن جنگ، "دوستم" مجدداً به جلسات امنیتی اداره مستعمراتی در تمام سطوح شرکت خواهد نمود.

- به "دوستم" این امکان و اجازه داده خواهد شد تا به علاوه آزاد ساختن قیصاری، افراد گذشته اش را به دور خود جمع نموده، خود را آماده بسازند تا به مانند سگهای بویکش، در پیشاپیش آدمکشان اجاره ئی "اریک پرنس" حرکت نمایند.

- برای انتخابات دوره بعدی ریاست جمهوری نام کس و کسانی از صندوق های رأی پیروز بیرون خواهد شد که با این پروژه مطلقاً همانگی داشته باشند. افرادی مانند "عطاء"، "دوستم" و همقطاران شان.

*- ترکیب این گروپهای انسانکشی جدید، حتا در موجودیت و با شرکت افرادی چون قومندان "رازق"، برادر کشی و استخوان شکنی بین اقوام، مذاهب و زبانهای متعدد در افغانستان را ابعاد عمیقتر و گسترده تر خواهد داد، چنان ابعادی که در آن صحبت از برادری اقوام، گناه کبیره به شمار خواهد رفت.

*- با آن که مسؤولیت چنان حالتی را تمام دست اندرکاران در اداره مستعمراتی به دوش خواهند داشت، مگر نقش خاینانه و تفرقه افکنانه "غنی احمدزی" و سیاست های ضد ملی وی برجسته تر از دیگران خواهد بود.